

# نظریه

## نظریه گرگور در اندیشه جامع



### چکیده

نویسنده در این مقاله با استناد به نمونه‌هایی از مناظره در قالب‌های متنوع شعری، پیشینه و کاربرد این نوع سروده را بررسی کرده است.

از ویژگی‌های این هنر بدیعی آن است که از یک طرف «بیش‌تر نمایانگر ظریف اندیشی‌های شاعر و حاضر جوابی معشوق بوده و از طرف دیگر تضاد اندیشگی شاعر را به خوبی می‌نمایاند، چنان که شاعر با در نظر گرفتن یک موضوع و طرح آن به صورت یک پرسش، پاسخی نیز برای آن اندیشیده است که از زبان حریف بیان می‌کند» (فرهنگ‌نامه‌ی ادبی فارسی، ذیل واژه‌ی مناظره) بعضی از محققین نیز معتقدند «ژرف ساخت مناظره حماسه است زیرا در آن بین دو چیز بر سر برتری و فضیلت خود بر دیگری نزاع و اختلاف لفظی در می‌گیرد و هر یک استدلال‌ات خود را بر دیگری ترجیح می‌دهد و سرانجام یکی مغلوب یا مجاب می‌گردد» (انواع ادبی، دکتر سیروس شمیسا).

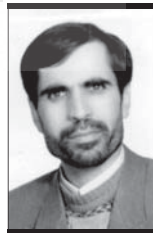
### کلمات کلیدی

مناظره، ادبیات منظوم، ادبیات منثور، مجادله، گفت‌وگو، گفت‌مان‌شناسی

### اساس و فلسفه‌ی شکل‌گیری مناظره:

معمولاً هدف شاعر یا نویسنده از مقابله و مباحثه‌ی دو عنصر مخالف، اثبات نظریه‌ای فلسفی یا نتیجه‌ای اخلاقی و یا چنانچه گذشت هنرنمایی شاعرانه است. مباحثه کنندگان یا انسان‌اند یا از زمهری اشیا و جانوران و مفاهیم انتزاعی (مثل روح یا لذت)، که در قالب شخصیت‌های انسانی قرار می‌گیرند و گاه، هر کدام مظهر عقیده یا طرز فکری می‌شوند.

از سوی دیگر، مناظره ریشه در مفاخره دارد. از آنجا که مفاخره سرایی در فرهنگ عرب و آن‌گاه در ادب عجم یک امتیاز و برتری به حساب می‌آمد، به تدریج این فخرفروشی‌های، گاه جاهلانه شکل و شمایل دو سویه به خود گرفته و در هیئت گفت‌وگوهای دو طرفه و به صورت پرسش و پاسخ و قال و قلت و به زیباترین صورت در زبان پارسی «گفتم - گفت» آمده است. نمونه‌ای از این شیوه‌ی بیان، مناظره‌ی چنار و کدوبن از انوری است:



مرتضی شوشتری  
کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی،  
دبیر دبیرستان‌های کرج و مدرس دانشگاه آزاد تویسرکان

مناظرات پنج‌گانه‌ی اسدی، که در قالب قصیده سروده شده است عبارت‌اند از مناظره‌ی «عرب و عجم» «آسمان و زمین» «نیزه و کمان» «شب و روز» و «مغ و مسلمان»



معنوی مولانا آمده است. همچنین، مناظره‌ی تیر و کمان در شاه درویش هلالی جغتایی و منظومه‌های مستقل مناظره، مثل گوی و چوگان جاجرمی، ماه و خورشید خواجه مسعود قمی و مثنوی پیر و جوان میرزا محمد نصیر اصفهانی شاخص و خاص شده‌اند.

### شکل و قالب مناظره

مناظره در شعر فارسی شکل و قالب خاصی ندارد. به همین جهت، از سده‌ی پنجم هجری علاوه بر قصیده، قالب‌های غزل، قطعه، مثنوی و دو بیتی نیز برای سرایش آن رواج یافته است.

مناظرات نظامی، از جمله مناظره‌ی خسرو شیرین در قالب مثنوی سروده شده و از شاهکارهای ادبی به‌شمار می‌روند. اما از آن‌جا که سرآمد قالب شعری در دوره‌ی عراقی «غزل» است عمده‌ی مناظرات این سبک نیز در هیئت غزل و از سوی شاعرانی چون کمال خجندی، حافظ، سعدی و خواجه کرمانی سروده شده‌اند. در این‌جا نمونه‌ای از مناظرات را ملاحظه می‌کنید:

گفت یار، از غیر ما پوشان نظر، گفتم به چشم  
وانگهی دزدیده در ما می‌نگر، گفتم به چشم  
گفت اگر گردی شبی از روی چون ماهم جدا  
تا سحرگاهان ستاره می‌شمر، گفتم به چشم  
گفت اگر شد دو لب خشک از دم سوزان آه  
باز می‌سازش چو شمع از گریه‌تر، گفتم به چشم  
گفت اگر بر آستانم آب خواهی زد زاشک  
هم به مژگان تیر بروب آن خاک در، گفتم به چشم  
گفت اگر سر در بیابان غمم خواهی نهاد  
تشنگان را مژده‌ای از ما ببر، گفتم به چشم  
گفت اگر داری هوای ذره‌ی وصل ای «کمال»  
قعر این دریا بیما سربه‌سر، گفتم به چشم  
(کمال خجندی)

### مناظره در ادبیات معاصر

در ادبیات کلاسیک و نیز در ادبیات معاصر نمونه‌های فراوانی از مناظره‌ی ملک الشعرای بهار و تالی وی پروین اعتصامی در اختیار داریم، از جمله: در دست بانویی، به نخعی گفت سوزنی

نشیده‌ای که زیر چناری کدو بنی  
برجست و بر دوید برو بر، به روز بیست  
پرسید از چنار که تو چند روزه‌ای  
گفتا چنار عمر من افزون‌تر از دویست  
گفتا به بیست روز من از تو فزون شدم  
این کاهلی بگوی که آخر ز بهر چیست؟  
گفتا چنار نیست مرا با تو هیچ جنگ  
کاکون نه روز جنگ و نه هنگام داوری است  
فردا که بر من و تو وزد باد مهرگان  
آن‌که شود پدید که نامرد و مرد کیست  
(دیوان انوری)

در باب مبتکر فن مناظره در دوره‌ی اسلامی اهل تحقیق به اتفاق، اسدی طوسی را معرفی کرده‌اند مناظرات پنج‌گانه‌ی اسدی، که در قالب قصیده سروده شده است عبارت‌اند از مناظره‌ی «عرب و عجم» «آسمان و زمین» «نیزه و کمان» «شب و روز» و «مغ و مسلمان». اسدی در سرآغاز قصایدش، به جای تشبیه و تغزل، از مناظره بهره می‌گیرد و سپس، به مدح ممدوح می‌پردازد. نظامی، سعدی، حافظ و خواجه کرمانی نیز، از این شیوه بهره جستند. نظامی چنان‌چه گذشت مشهورترین شاعر داستان‌سرا و مناظره‌گوی قرن ششم است. شعرای سبک عراقی و هندی به این نوع سخن‌سرایی توجه زیادی نشان داده‌اند. از آن میان مناظره‌ی نقاشان رومی و چینی

کای هرزه گرد بی سر و پا چه می کنی؟

ما می رویم تا که بدوزیم پارهای

هرجا که می رسیم، تو با ما چه می کنی؟

خندید نخ که ما همه جا با تو هم رهیم

بنگر به روز تجربه تنها چه می کنی؟

هر پارگی به همت من می شود درست

پنهان چنین حکایت پیدا چه می کنی؟

در راه خویشتن اثر پای ما ببین

ما را ز خط خویش مجزا چه می کنی؟

تو پای بند کار خودت گشته ای و بس

پرسندت از ز مقصد و معنا چه می کنی؟

گر یک شبی ز چشم تو خود را نهان کنیم

چون روز روشن است که فردا چه می کنی؟

جایی که هست سوزن و آماده نیست نخ

با این گراف و لاف، در آن جا چه می کنی؟

خود بین چنان شدی که ندیدی مرا به چشم

پیش هزار دیده ی بینا چه می کنی؟

پندار، من ضعیفم و ناچیز و ناتوان

بی اتحاد من، تو توانا چه می کنی؟

(دیوان پروین، به کوشش ولی الله درودیان)

شخصیت های فکری را از زبان قاضی بشنوند.

## مناظره در شعر نیمایی

شاعران فرهیخته در ادب نیمایی به پیروی از الگوی کهن مناظره در این خصوص بهره ها برده اند. با این تفاوت که دیدگاه آنان در قالب و محتوا با شعرای پیشین در انتخاب مضمون بسیار متفاوت است. از میان شعرای معاصر چهره ی سرشناسی که گفت و گو و مناظره را به شیوه ی دل انگیز در ادبیات نیمایی به کار گرفته، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی است. از این شاعر چند مکالمه و گفت و گو در دست است، از جمله:

به کجا چنین شتابان؟

گون از نسیم برسد دل من گرفته زاین جا

هوس سفر نداری - زغبار این بیابان

همه هست آرزویم - چه کنم که بسته پایم

به کجا چنین شتابان؟

به هر آن کجا که باشد به جز این سرا سرایم

سفرت به خیر اما

تو و دوستی خدا را

چو از این کویر وحشت به سلامتی گذشتی

به شکوفه ها به باران برسان سلام ما را.

نیما، که پایه گذار فرهنگ نوسرایی در ادب معاصر است، در منظومه ی مرغ آمین گفت و گوی مرغ و خلق را به نظم در آورده است و پیش تر از آن در منظومه ی بلند قصه ی رنگ پریده خون سرد با منطق زیبایی، انسان را با پاسخ های آتشین عشق مجاب می نماید. در روزگار معاصر، از طریق مناظره می توان اصول حاکم بر گفت و گو را از بُعد نظری مورد مذاقه قرار داد. متفکران و محققان با واکاوی این هنر ادبی در علم گفتمان شناسی (discourse analysis) می گویند حقیقت در علوم انسانی به وجود نمی آید مگر از طریق تفاهم بین الاذهانی و تفاهم بین الاذهان حاصل نمی گردد مگر به کمک ابزاری به نام گفت و گو (فصل نامه ی مطالعات ملی، ش ۱۳).

## مسابع و مآخذ

۱. اختر چرخ ادب، کتاب همشهری، اسفند ۱۳۸۵ • ۲. ادبیات فارسی ۲، سال دوم متوسطه • ۳. انوشه، حسن، فرهنگ نامه ی ادبیات فارسی، چ ۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶ش • ۴. پروین اعتصامی، دیوان پروین، به کوشش ولی الله درودیان • ۵. زبان و ادبیات فارسی (و ۲) عمومی دوره ی پیش دانشگاهی • ۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، مؤسسه ی لغت نامه، دانشگاه تهران • ۶. شمیسا، سیروس، انواع ادبی، تهران • ۷. غنیمی، هلال، ادبیات تطبیقی، ترجمه ی دکتر سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی، ص ۳۴۵ • ۸. فصل نامه ی مطالعات ملی، ش ۱۳، ص ۴، پاییز ۱۳۸۱ • ۹. فضل الله، محمد حسین، گفت و گو و تفاهم در قرآن کریم، ترجمه ی حسین میردامادی، چ ۱، تهران، ۱۳۸۱ • ۱۰. مرقع رنگین، گاه نامه ی گروه تخصصی زبان و ادبیات فارسی سازمان آموزش و پرورش استان همدان، شماره ی چهارم، پائیز ۸۳ •

اگرچه مناظره در شعر جایگاه یافته است، اما در ادبیات فارسی منظومه ی منثور فراوان به کار رفته است

## مناظره در نثر پارسی

اگرچه مناظره در شعر جایگاه یافته است، اما در ادبیات فارسی منظومه ی منثور فراوان به کار رفته است، از جمله بعضی از قسمت های مقامات حمیدی (مثل مناظره ی بین ملحد و سنی و طیب و منجم) و جدال سعدی با مدعی در گلستان. بخش اعظم این مناظرات با توجه به شرایط اجتماعی ساخته و پرداخته شده اند و بدیهی است که شرایط اجتماعی گفت و گو با نظام سیاسی حاکم مستقیماً مرتبط است. در گلستان مدینه ی فاضله ی خویش را در حکایت می جوید و چه بهتر که این دگرگونی اندیشه ی اجتماعی را در لباس حکایت ادبی به جامعه معرفی نماید. مناظره ی سعدی با مدعی اوج این نظام فکری است که در آن پس از مجادله ی نفس گیر، هر دو تن به قضاوت قاضی می دهند تا در هر طایفه - درویش و غنی - تفاوت اندیشه ها و